بررسی جامعه ایران در مطالعه موردی راهپیمایی ۲۲ بهمن

تثبیت ذهنیت ضد آمریکایی

■ علی هادوی نژاد ■

دوربین‌های زیادی از کشورهای غربی از چند روز قبل به تهران آمده بودند تا تصویر متفاوتی از راهپیمایی ۲۲ بهمن بگیرند؛ توقع آنها این بود که بعد از برجام صدای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر استکبار» کمتر شنیده شود و آنچه به‌عنوان توافق بین دولت ایران و آمریکا اتفاق افتاده است، خود را در شعارهای ملت ایران نمایان کند اما آنچه اتفاق افتاد برای آنها قابل انتظار نبود. اساسا بزرگ‌ترین اشتباه محاسباتی که دولت یازدهم و طرف مذاکره‌کننده‌اش کرده‌اند، عدم شناخت مردم ایران است و هنوز نفهمیده‌اند استکبارستیزی و مرگ بر آمریکا با گوشت و پوست ایرانیان آمیخته شده است و این را یک پایه از نگاه ایدئولوژیک‌شان می‌دانند که با تغییرات تاکتیکی یا استراتژیک دولتمردان تغییر نمی‌کند. رسانه‌های غربی آمده بودند تا کمرنگ شدن شعار «مرگ بر آمریکا» را به تصویر بکشند اما آنچه در قاب دوربین‌ها ظاهر شد، بیش از گذشته این شعار بود.

■■■

■ برنامه برای تغییر ذهنیت جامعه ایرانی نسبت به‌استکبار

اواسط تابستان ۹۴ وقتی دانشجویان به دیدار رهبر انقلاب رفتند و از ایشان پرسیدند: تکلیف استکبارستیزی بعد از توافقات چیست؟ ایشان صراحتا جواب دادند: «مبارزه با استکبار، مبارزه با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست... این جزو کارهای ما است، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است. یعنی اگر مبارزه با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. مبارزه با استکبار که تمام نمی‌شود. در مورد مصادیق استکبار، آمریکا اتمّ مصادیق استکبار است..... مبارزه با استکبار تعطیل‌پذیر نیست، تکلیفش کاملاً روشن است و خودتان را آماده کنید برای ادامه مبارزه با استکبار». اما دشمن تمام تلاشش این بود که بتواند هر چه می‌شود «مرگ بر آمریکا» را کمرنگ‌تر کند و حتی پیش‌بینی‌هایش هم به این مساله توجه داشت.

تلاش غرب برای نفوذ دیگر از طریق «جنگ سخت» یا «انقلاب مخملی» و نمونه‌های مشابه نبود بلکه این بار تلاش داشت از طریق جریان غیرانقلابی داخل نظام سیرت انقلاب را استحاله کند؛ مسیری که اوباما در مصاحبه با ستون‌نویس نیویورک‌تایمز به آن اشاره کرد.

اوباما در این مصاحبه خود با اشاره به پیشینه ذهنی تاریخی کاملا منفی نخبگان و مردم ایران نسبت به آمریکا بویژه در موضوعاتی از قبیل «سرنگونی مصدق، حمایت از شاه خائن، حمایت از صدام در ۸ سال جنگ تحمیلی علیه ایران و...» رسماً تاکید می‌کند یکی از سیاست‌های کلان و اصلی آمریکا در این مذاکرات، «تغییر ذهنیت» ایرانی‌ها نسبت به آمریکا و به عبارت روشن‌تر و به تعبیر نگارنده «استکبارزدایی ذهنی» از ایرانیان نسبت به چهره این رژیم است. اوباما اشاره می‌کند به تیم مذاکره‌کننده آمریکایی در این باره تاکید ویژه‌ای کرده است.

آمریکایی‌ها اولین پروژه تغییر ذهنیت جامعه ایرانی را با کمرنگ کردن شعار «مرگ بر آمریکا» بعد از توافق هسته‌ای کلید زدند و این توافق را اولین قدم برای مثبت‌اندیشی ایرانیان نسبت به آمریکا دانسته‌بودند.

«رابرت لیتواک» در گزارشی در اندیشکده ویلسون می‌آورد: «هر چند این توافق وجهه معامله را دارد اما در بحث موضوع وسیع‌تری به نام «تکامل اجتماعی ایران» قرار می‌گیرد. اوباما و رهبر عالی ایران، هر کدام نگاه خود به توافق را دارند. اوباما عملکردش در توافق را به لحاظ جنبه‌های مثبت معامله با ایران توجیه می‌کند و معتقد است این توافق موجب تقویت جناح میانه‌رو داخل ایران شده و ایران را در مسیر اجتماعی مطلوب آمریکا قرار می‌دهد».

چندی پیش اندیشکده «امریکن اینترپرایز» در گزارشی تصریح کرد: «امروز ایالات متحده با هیچ تهدید وجودی روبه‌رو نیست. دیگر هیچ کشوری وجود ندارد که بتواند آسیب مرگباری به آمریکا وارد کند یا فعالانه برای تغییر اصول نظام سیاسی- اقتصادی آن تلاش کند. آمریکا تا حد زیادی، حداقل میان دولت‌ها، به جایگاه قدرت بزرگ جهان بازگشته است اما ایران یک استثناست».

کلنل «لارنس ویکرسون» درباره مولفه‌های اقتدار جمهوری اسلامی ایران و اهمیت آن به‌عنوان یک استثنا معتقد است: «چه کشوری باثبات‌ترین کشور در غرب آسیاست؟ ایران! چه کشوری بیشترین یکپارچگی اجتماعی را دارد؟ ایران! چه کشوری بالاترین پتانسیل را برای آینده دارد؟ ایران! نه اسرائیل! نه افغانستان! نه عراق! نه عربستان‌سعودی! ایران! پس اگر شما می‌خواهید رابطه‌ای با کشوری داشته باشید که باقی خواهد ماند، تاب خواهد آورد و در طول زمان بر قدرت و منافع شما اضافه خواهد کرد، باید دوباره به تهران نزدیک شوید، بدون توجه به اینکه چه حکومتی ممکن است در آنجا روی کار باشد. چیزی که دارد اتفاق می‌افتد این است که بعضی افراد، یعنی آنهایی که واقعاً دینامیک دنیا را می‌فهمند و بی‌شک بعضی از آنها در کاخ سفید هم هستند... آنها دارند متوجه می‌شوند [این ماجراها] درباره «سلاح هسته‌ای» نیست، درباره «قدرت هسته‌ای ایران» نیز نیست، بلکه درباره قدرت است. درباره این است که چه کسی هژمونی را در خلیج‌فارس به دست خواهد آورد».

یکی از برنامه‌های راهبردی که بدون استثنا توسط همه رؤسای جمهوری ایالات متحده پیگیری و برای آن تاکنون میلیاردها دلار هزینه شده است، براندازی نظام جمهوری اسلامی بوده است. باراک اوباما رئیس‌جمهوری فعلی آمریکا هم در همین راستا، این روزها امیدوار است در دوران پساتوافق با ایجاد تغییرات ارزشی در ایران پروژه «تغییر بزرگ» را در ایران عملی کند.

«نشنال اینترست» درباره تغییر جهت ایران بعد از توافق می‌نویسد: حرکت جدی به سمت مذاکره دوجانبه آمریکا و ایران، اساساً به صورت بالقوه راهی برای پل زدن بر شکاف میان ۲ طرف بود. در اصل توافق هسته‌ای تلاشی برای تغییر جهت نظام ایران است. «توماس فریدمن» ستون‌نویس نیویورک‌تایمز هم درباره این تغییر معتقد است: در شرایط امروز، توافق اخیر هسته‌ای بین ایران و آمریکا را باید یک تغییر بزرگ دانست. این توافق به تحریم‌های اقتصادی علیه ایران پایان خواهد داد و می‌تواند مانند یک توربو شارژ برای تغییر در ساختار به وجود آمده از سال ۱۹۷۹ عمل کند. اثر این توافق حتی به حدی خواهد بود که شاید بتواند اساساً به این ساختار پایان دهد. اما چه کسی «شرایط امروز» را برای ایالات متحده فراهم کرد؟

«سوزان مالونی» پژوهشگر ارشد مرکز سیاستگذاری خاورمیانه «سابان» در اندیشکده «بروکینگز» است. او اندکی پس از روی کار آمدن حسن روحانی درباره ارتباط ایران و آمریکا به خبرنگار روزنامه اصلاح‌طلب «بهار» می‌گوید: «به گمان من، اصلی‌ترین مانع در مسیر روابط دیپلماتیک مستقیم میان ایالات متحده و ایران بی‌میلی دولت ایران برای از اولویت خارج کردن مواضع ضدآمریکایی به‌عنوان اصل اساسی انقلاب و موجودیت نظام سیاسی این کشور است. همچنین مسؤولیت‌پذیری از جمله موارد مهمی است که ۲ طرف باید آن را لحاظ کنند. باید توجه داشت دولت‌های مختلف در ایالات متحده در زمان‌های گوناگون فرصت‌های لازم برای اعتمادسازی با تهران را از دست داده‌اند و در برهه‌های مختلف تاریخی، واشنگتن سبب شده پیشرفت به سوی رابطه‌ای سازنده‌تر صورت نگیرد. با این حال ظرف مدت ۳۴ سال گذشته تمام رؤسای جمهوری ایالات متحده از هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه درصدد بوده‌اند به بهبود روابط با جمهوری اسلامی ایران بپردازند. تاکتیک‌های به کار گرفته شده از سوی آنان همواره هماهنگ با مقاصد سیاسی ایرانیان نبوده است. امیدوارم شرایط به وجودآمده تغییر کند. امروز برای نخستین بار وضعیتی ایجاد شده که به نظر می‌رسد واشنگتن و تهران به تعامل و بهبود روابط و کنار گذاشتن بعضی اختلافات‌شان تمایل پیدا کرده‌اند و دست‌کم مایلند به مذاکره بپردازند. این شرایط می‌تواند برای هر یک از طرفین مفید باشد... دلایل بسیاری درباره ایجاد فرصت‌های معدود برای مذاکره مستقیم میان ایالات متحده و ایران وجود دارد. هر زمانی که یکی از طرفین خواستار مذاکره بوده است طرف دیگر در این مورد ابراز تردید کرده یا عدم تمایل خود را نشان داده است. گمان می‌کنم بی‌اعتمادی شدیدی درباره یکدیگر در هر دو طرف ایرانی و آمریکایی وجود دارد. واشنگتن به ایران به‌عنوان یک تهدید می‌نگرد اما در کل ایران را یک فرصت نیز می‌داند. به گمانم بسیار زود است که درباره مشارکت ایران و آمریکا صحبت کنیم، اگرچه امیدوارم روزی فرارسد که به چنین شرایطی دست یابیم».

چندی پیش اندیشکده «امریکن اینترپرایز» در گزارشی به قلم «متیو مک‌کینس» درباره هدف پساتوافق رئیس‌جمهور آمریکا نوشت: «باراک اوباما» امیدوار است توافق هسته‌ای با ایران به تغییر سیاست‌های تهران و در نهایت تغییر ماهوی جمهوری اسلامی منجر شود.

نویسنده گزارش «امریکن اینترپرایز» در بخش دیگری از گزارش خود ضمن اعلام این مطلب که ایرانی‌ها از مجموعه پروژه نفوذ، آگاهی دارند، می‌نویسد: رئیس‌جمهور اوباما امیدوار است وارد کردن ایران به جامعه جهانی، دولت ایران را به تعدیل رفتار و تبدیل شدن به «قدرتی مسؤول» -بخوانید قدرتی که منافع استکباری آمریکا را تهدید نکند- در منطقه وادار کرده و نهایتا ماهیت خود رژیم را هم دستخوش تغییر کند اما آیت‌الله خامنه‌ای و سران امنیتی و نظامی ایران کاملا از این هدف آگاه هستند.

اوباما چندی پیش صریح‌ترین حرف‌هایش درباره «تغییر در ذهنیت ایرانیان» را در مصاحبه با وب‌سایت خبری میک (MIC) و در پاسخ به سوالات چند نفر از ایران و سرزمین‌های اشغالی مطرح کرد. «غزل حکمی» از ایران از اوباما پرسید چرا با تحریم‌های سنگین تا این حد به مردم ایران فشار آورده، آیا راه دیگری برای رسیدگی به مشکل برنامه اتمی ایران نیافت؟ اوباما در پاسخ گفت: «متاسفانه راه بهتری برای انجام این کار نداشتیم. کاری که مجبور بودیم انجام دهیم این بود که تحریم‌های شدیدتری اعمال کنیم تا ایران انگیزه بیشتری برای آمدن پای میز مذاکره داشته باشد. جوان‌ها باید در ایران تغییر ایجاد کنند».

اوباما در ادامه، بخش‌های دیگری از سناریوی «تغییر رژیم در ایران» را مطرح کرد: «باید تحولی، حتی تدریجی، در داخل ایران روی دهد تا به این نتیجه برسند که شعار مرگ بر آمریکا یا انکار هولوکاست در میان رهبران این کشور یا تهدید به نابودی اسرائیل یا رساندن سلاح به حزب‌الله که در لیست گروه‌های تروریستی[!] است باعث می‌شود ایران در چشم بخش بزرگی از جهان منزوی شود. به شما تضمین می‌دهم در لحظه‌ای که حکومت ایران دست از این شعارها و رفتارها بکشد، به لطف اندازه، استعدادها و منابعش فورا شاهد بالا گرفتن نفوذ و قدرتش در جهان خواهد بود». برنامه‌های اوباما برای دوران پساتوافق آنقدر گسترده است که پولیتیکو چندی پیش در گزارشی اعلام کرد: مقامات دولت اوباما و دیگر حامیان توافق هسته‌ای با ایران در تلاش برای کسب رأی تایید کنگره در ماه آتی، خطاب به قانونگذاران آمریکایی گفتند اگر خواهان بمباران ایران هستید، از توافق هسته‌ای حمایت کنید. طی نشستی در کنگره آمریکا و با حضور تحلیلگران مؤثر، مقامات دولتی این مطلب را بیان کردند که بازرسی‌ها از تأسیسات هسته‌ای ایران براساس این توافق، جزئیات مهمی را آشکار خواهد کرد که اگر ایالات متحده تصمیم بگیرد به ایران حمله کند، می‌تواند برای هدف‌گیری بهتر به کار برده شود. «آستین لانگ» استاد دانشکده امور بین‌الملل و عمومی دانشگاه کلمبیا گفته بود: اگر می‌خواهید ایران را بمباران کنید، باید از این توافق بسیار هیجان‌زده شوید. هرچه درباره برنامه هسته‌ای ایران و زیرساخت‌هایی که مبنای این برنامه هستند بیشتر بدانید، بهتر می‌توانید آن را هدف بگیرید. در نتیجه شما تنها توان غنی‌سازی اورانیوم آنها را فلج نمی‌کنید بلکه توان ایران برای جایگزینی برنامه غنی‌سازی‌اش را هم از بین می‌برید. چیزی که آمریکا می‌خواهد به آن دست یابد شکستن ساختار سیاسی ایران است، جایی که نخبگان اقتصادی ایران با نفوذ زیاد خود در جامعه ایرانی علاقه‌ای به افزایش تنش با طرف غربی ندارند و بیشتر خواهان آن هستند که ایران به صورت بالقوه شریک هژمونی به رهبری غرب باشد. اگر حاکمیت سیاسی ایران به لطف فشارهای داخلی از جانب منافع سیاسی و تجاری در سطح منطقه و بین‌المللی کمتر حالت تخاصم داشته باشد، بیشتر به سود برنامه‌های آمریکا و البته برنامه‌های واشنگتن در عربستان، قطر، ترکیه و اسرائیل است. به نظر می‌رسد نشانه‌هایی از تغییر رویکرد برخی مسؤولان ایرانی در مواجهه با آمریکا، توانسته است آنان را به این نتیجه برساند که می‌توانند به پروژه «تغییر رژیم در ایران» با رویکرد جدید امیدوار باشند. پروژه‌ای که امروز برخلاف تبلیغات صورت‌گرفته با استقبال سیستم اطلاعاتی رژیم صهیونیستی نیز همراه شده است.

از همه این گزارش‌ها و بازخوردهایی که از توافق صورت گرفته است، می‌توان نتیجه گرفت هیچ چیزی در سیاست کلان آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی تغییر نکرده است، بلکه روش و رویکرد متفاوتی برای دستیابی به همان خواسته‌های پیشین توسط اوباما در دوره اخیر اتخاذ شده است. به همین دلیل است که دلسوزان کشور بویژه رهبر حکیم انقلاب مکرر خطر نفوذ را هشدار داده‌اند. با تاملی در گفتارهای پس از توافق حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، می‌توان به جدی بودن این مساله پی برد.

ایشان در همه گفتارهای پساتوافق، دشمنی همیشگی آمریکا و خوی استکباری این دولت جهانخوار و خیانت‌های آمریکا و همپیمانانش را یادآوری کرده‌اند.

■ پاسخ ایرانیان به برنامه تغییر ذهنیت

رسانه‌های غربی آمده بودند تا ۲۲ بهمن اولین برداشت خود را از وضعیت پسابرجام و تغییر ذهنیت جامعه ایرانی برداشت کنند و پایان استکبارستیزی ملت ایران را به جهان مخابره کنند اما بالاتر بودن شعار «مرگ بر آمریکا» در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۹۴ به نسبت سال‌های قبل این معادله را بهم زد. خبرگزاری فرانسه درباره راهپیمایی ۲۲ بهمن ۹۴ نوشت: «ایرانی‌ها در حالی که سی‌وهفتمین سالگرد انقلاب را گرامی داشته بودند، چندین هفته پس از توافق هسته‌ای میان ایران و قدرت‌های بزرگ پلاکاردهای «مرگ بر آمریکا» را تکان داده، کنار موشک‌های بالستیک سلفی گرفتند».خبرگزاری فرانسه در ادامه نوشت: «در پایتخت، صدها هزار نفر در میدان تاریخی آزادی، جایی که رئیس‌جمهور سخنرانی کرد، جمع شدند».رادیو آلمان در بازتاب خبر راهپیمایی گسترده ایرانیان در سالگرد ۲۲ بهمن ۵۷ نوشت: تظاهرکنندگان ایرانی با سر دادن شعارهای مرگ بر اسرائیل و مرگ بر آمریکا به خیابان‌ها آمدند.

خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس نوشت: «ایرانی‌ها جشن‌های ملی در بزرگداشت سالگرد انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ را آغاز کردند. تلویزیون ایران تصاویری از راهپیمایی‌ها در تهران و دیگر شهرهای سراسر کشور را که شاهد وضعیت زمستانی بودند، پخش کرد. راهپیمایان شعارهای سنتی علیه آمریکا و اسرائیل سر داده و خیابان‌های شهرها آکنده از پلاکاردها و پوسترهای ضدآمریکایی و ضداسرائیلی بود.»

خبرگزاری چینی شینهوا نوشت: مردم ایران با در دست داشتن تصاویر آیت‌الله روح‌الله خمینی، بنیانگذار انقلاب اسلامی و آیت‌الله علی خامنه‌ای، جانشین وی، به خیابان‌ها آمدند.

پایگاه اینترنتی شبکه یورونیوز هم در خبری تصویری، صحنه‌هایی از راهپیمایی باشکوه ۲۲ بهمن را به همراه تصاویری از پیام‌های توئیتری برخی افراد، از جمله پیام توئیتری آقای روحانی منتشر کرد. یورونیوز به شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» راهپیمایان اشاره کرد و نوشت: برخی خیابان‌ها با بنرها و پوسترهای ضدآمریکایی و ضداسرائیلی تزئین شده است. این رسانه همچنین عکس‌های متعددی از صحنه نمایش دستگیری اخیر تفنگداران آمریکایی به همراه ویدئوی واقعی این حادثه منتشر کرد و در زیر آن نوشت: برخی راهپیمایان با پوشیدن لباس‌هایی شبیه تفنگداران آمریکایی که در اواسط ژانویه در خلیج فارس دستگیر شدند صحنه دستگیری آنها را بازسازی کردند.

پایگاه اینترنتی «ان‌بی‌سی نیوز» هم در گزارشی نوشت: صدها هزار نفر در میدان آزادی تهران راهپیمایی کردند و شعار «مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل» سر دادند. «ان‌بی‌سی نیوز» در گزارشی به قلم علی عروضی (ALI AROUZI)نوشت: اگر فکر می‌کنید احساسات ضدآمریکایی در ایران در پی توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌ها فروکش کرده، سخت در اشتباه هستید، (زیرا) در سی‌وهفتمین سالگرد انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران، ده‌ها هزار نفر در میدان آزادی تهران با در دست داشتن پلاکاردهای ضدغربی راهپیمایی کردند و شعار «مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل» سر دادند.

در این گزارش همچنین آمده است: یکی از شرکت‌کنندگان در این راهپیمایی احمد نوروزی، پرستار ۳۷ ساله‌ای بود که پیشانی‌بندی به سر داشت که روی آن نوشته بود: «ما اجازه نفوذ خارجی نمی‌دهیم.» احمد گفت: «من برای اوباما پیامی دارم. شما هیچ کاری نمی‌توانید علیه ما انجام دهید و هر چیزی که می‌گویید دروغ است».

تمسخر آمریکایی‌ها از طریق بازسازی دستگیری تفنگداران متجاوز آمریکایی در این راهپیمایی هم در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب داشت. شبکه بی‌بی‌سی هم با این تیتر که ایرانی‌ها در روز گرامیداشت انقلاب، اسرای آمریکایی را مسخره کردند، نوشت: هر سال ایرانی‌ها سالگرد انقلاب اسلامی را در راهپیمایی و جشن خود اغلب با به آتش کشیدن پرچم آمریکا برپا می‌کردند اما امسال یک گام جلوتر برداشتند و با پوشیدن لباس مخصوص ملوانان آمریکایی، تفنگداران متجاوز آمریکایی را مسخره کردند. شبکه ای‌بی‌سی آمریکا هم از انتشار ویدئوی جدید از گریه ملوانان آمریکایی (تفنگداران متجاوز آمریکایی) درست یک روز قبل از فرارسیدن سی‌وهفتمین سالگرد انقلاب اسلامی سخن به میان آورده و نوشته است: ویدئوی جدید پخش‌شده در تلویزیون ایران نشان می‌دهد یکی از ملوانان آمریکایی (تفنگداران متجاوز آمریکایی) در حال گریه کردن است.

پایگاه اینترنتی رادیو تاون هال آمریکا با این تیتر که ایرانی‌ها در مراسم راهپیمایی خود دستگیری آمریکایی‌ها را هم جشن گرفتند، نوشت: ایران سی‌وهفتمین سالگرد انقلاب اسلامی خود را با مسخره کردن ۱۰ ملوان آمریکایی (تفنگداران متجاوز آمریکایی) دستگیرشده و تصاویر یکی از ملوانان (تفنگداران متجاوز آمریکایی) با چشمانی پر از اشک جشن گرفتند. این پایگاه اینترنتی می‌نویسد: ایرانی‌ها تنها به دستگیری و تحقیر زندانیان آمریکایی بسنده نکردند بلکه این اقدامات ایران شامل پرواز یک هواپیمای بدون سرنشین ایرانی بر فراز یک ناو هواپیمابر آمریکایی و همچنین انتشار ویدئویی از ملوانان (تفنگداران متجاوز آمریکایی) در حال اشک ریختن هم می‌شد.

■ اشتباه محاسباتی درباره جامعه ایرانی

تحلیل‌های غلط بعد از راهپیمایی ۲۲ بهمن احتمالا از سوی آمریکایی‌ها اصلاح خواهد شد و خواهند فهمید که آنچه در توافق هسته‌ای کشت کرده بودند را در جامعه ایرانی برداشت نخواهند کرد و «ضدآمریکایی بودن در ذهنیت جامعه ایرانی تثبیت شده است». این تصور غلط البته در بخشی از حکومت هم وجود دارد و از تفاوت مواضع روحانی با مردم هم می‌توان به این نتیجه رسید؛ چنانکه این تفاوت در حدی است که موضع سخنران نسبت به موضع کلیت حاضرین در راهپیمایی، موضع اقلیت است و تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد صحبت‌های سخنران با مواضع و مطالبات اکثریت راهپیمایان سازگاری دارد و در بهترین حالت ۷۰ تا ۸۰ درصد سخنرانی سخنران رسمی مراسم خارج از حال و هوای اکثریت مردم شرکت‌کننده است. روحانی با موضع نزدیکی به آمریکا به جایگاه سخنران ۲۲ بهمن آمد در حالی که تطابق سخنان وی با ناشرکت‌کنندگان در راهپیمایی بیش از کلیت حاضران شرکت‌کننده در راهپیمایی بود.

نکته

غبار فتنه حاصل عدم التزام به اخلاق اسلامی در انتخابات

دکتر سیدعلی قریشی*: با اتمام فصل تایید صلاحیت کاندیداهای انتخاباتی و نظر به فصل‌الخطاب بودن قانونی این نظر براساس قانون اساسی و نظر صریح امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله العالی) التزام عملی بر این واجب، نشانگر قبول اخلاق انتخاباتی و اخلاق‌مداری کاندیداهای محترم مجلس شورای اسلامی است. از سوی دیگر شرکت در این انتخابات و رای دادن، بیعت با احیای حکومت اسلامی مد نظر رسول‌الله(ص) از منظر ولایی رهبر انقلاب اسلامی است. طبق اعلام رسمی شورای نگهبان یکی از دلایلی که می‌تواند موجب ردصلاحیت نمایندگان مجلس شود عدم تعهد به اخلاق اسلامی و عدم پایبندی به ملزومات مسؤولیت‌های اجتماعی در جامعه اسلامی است. برای احترام به نظر شورای نگهبان و جلوگیری از بی‌احترامی به سایر نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی و پرهیز از نشر بدبینی در جامعه و انتشار نشاط و ذوق نسبت به یک مشارکت ملی در تمام آحاد کشور و برای دوری از وعده‌های غیر علمی و عملی و همچنین قرار ندادن دیگران به عنوان سپر بلای مشکلات از یک نعمت بزرگ تحت عنوان «مکارم الاخلاق» می‌توان استفاده کرد که شکرگزاری آن نیز خود فضیلتی از جانب خداوند است. فلذا نیاز به بصیرت و سلامت عمومی برای انتخاب افراد صالح پایبند به قانون اساسی باعث سلامت و اطمینان به پیشرفت جامعه اسلامی می‌شود که از ثمرات مکارم الاخلاق است. اما نعمت دیگر برخورداری از تجربه تاریخی و انسانی زندگی و حکومت سراسر پند و حکمت امیرالمومنین علی علیه‌السلام به عنوان اولین حکومت ولایی پس از پیامبر اسلام است. با توجه به این گزاره زمانی، جامعه ایران اسلامی نیازمند برگزاری انتخاباتی اخلاقی است. این نگاه برگرفته از بیان مقام معظم رهبری است که شرکت در انتخابات را مصداق بیعت با آرمان‌های امام خمینی(ره)، جمهوری اسلامی و بیعت با پیامبر اسلام(ص) که اسوه مکارم اخلاقی است می‌دانند. به واقع مردم ایران هنگام انتخابات بیشتر به اخلاق کاندیداها رای می‌دهند و این مطالبه مردم و رهبری، مسؤولیت اخلاقی بیشتری برای کاندیداهای مجلس ایجاد می‌کند. از طرف دیگر مهم‌ترین چالش پیش‌روی ایران اسلامی مساله برپایی غبار فتنه در همه زمینه‌هاست که بهترین روش مقابله با آن، تمسک به اخلاق‌گرایی منتخبان و ملاک‌های انتخابی مردم است. زندگی امیرالمومنین علی علیه‌السلام همواره همراه درس و پند و حکمت است اما روزگار حکومت ایشان و حوادث ۵ سال آخرعمر بابرکت ایشان به مراتب عجیب‌تر است و وقتی به بازخوانی آن می‌پردازیم متوجه می‌شویم فتنه‌های بزرگی را کنترل نموده یا از کار انداخته‌اند. این فتنه‌ها قابل قیاس با زمان پیامبر صلی‌الله علیه وآله نیست! چرا که دشمنان پیامبر شعارشان «إعلِ هُبَلْ» بود و اطراف پیامبر صلی‌الله علیه وآله را از امیرالمومنین علی علیه‌السلام تا جناب طلحه و زبیر و دیگر اصحاب گرفته بودند! فتنه در بلاد اسلامی آن زمان آغاز شد که کفر صریح در مقابل اسلام صریح صف‌آرایی نکرد. برای نمونه از فتنه جمل تا فتنه نهروان هر دو طرف اهل نماز و قرآن بودند! آنچه مشخص است با وجود غلبه جبهه اسلام در بلاد اسلامی و روشن شدن تکلیف مسلمانان هنوز تکلیف جبهه حق و باطل روشن نشده بود. از آنجایی که فتنه در میان کفار معنی چندانی ندارد به همان دلایلی که بیان شد، فتنه در سرزمین اسلامی از ظلم و ستم و بدعهدی و همین طور ناآگاهی و جهل در بلاد اسلامی نشأت می‌گیرد. لذا نکته‌بینی مقام معظم رهبری درباره پیدایش فتنه و اهل فتنه را یادآور می‌شویم:

«فتنه این است، ما اگر می‌خواهیم یک تحلیل اجتماعی از قضایایی از این قبیل داشته باشیم، باید به سراغ ریشه‌ها برویم. در فتنه ریشه‌ها را هم غلط معنا می‌کنند. من دیده‌ام، می‌شنوم و می‌بینم که چه می‌گویند و چه می‌نویسند. شناخت ریشه‌ها هم گاهی غلط است، جزئی از فتنه است. چون آنی که منشأ شده است، آن نیست که یک نفر خیال کرده باید با کسی که مخالف دین است جنگید. مگر شما این خیال را نمی‌کنید؟ مگر ایشان این خیال را نمی‌کنند؟ همه خیال می‌کنند. پس اشکال کار اینجا نیست که کسی خیال کند با کسی که دشمن دین است باید جنگید، و اگر بشود، او را به خاک هلاک انداخت. قضیه از اینجا شروع می‌شود که چه کسی با دین مخالفت می‌کند یا مخالفت نمی‌کند؟ فتنه اینجاست. بنابراین اگر کسی بیاید به ما بگوید که آقا! هر کس با دین مخالفت می‌کند با او بجنگید، او منشأ فتنه نیست، منشأ قضیه کسی است که گرد و غبار به وجود آورده است. من دیگر شما را که رفیق من هستید، در گرد و غبار نمی‌بینم و نمی‌شناسم. هیکلی می‌بینم، اما نمی‌دانم کیست. آن فتنه را دنبال کنید، ببینید آن غبار آلودگی از کجاست، آن مهم است».

*عضو هیات علمی دانشگاه